

ریخت‌شناسی معماری آرامگاهی مازندران (از سده ۴ تا ۹ ق)

جواد نیستانی*

چکیده

پژوهش حاضر به منظور تبیین اصول مشترک و مشابهت‌ها در ریخت‌شناسی معماری آرامگاهی مازندران از سده ۴ تا ۹ ق و با مطالعه سیر تطور و تحول آن‌ها، انجام شده است. وجود مشترکات بسیار در مقابر برجی ناحیه یاد شده، مانند شکل ساختمان، نوع سازه و مصالح ساخت، سبب شده است که این مطالعه به آثار موجود در تقسیمات سیاسی کنونی این استان محدود نگردد. چه، شماری از این آثار، مانند بنای گنبد قابوس که سرآمد این نوع مقابر و الگویی برای ساخت دیگر بناهای دوره اسلامی مازندران است و نیز برج رادکان غربی و امام زاده اسحاق، در تقسیمات جدید سیاسی کشور، در استان گلستان قرار گرفته است. از همین رو، پژوهش حاضر مبتنی بر مطالعه آثار هر دو ناحیه یاد شده است.

واژه‌های کلیدی: معماری آرامگاهی، دوره اسلامی، مازندران، گلستان

درآمد

به نظر می‌رسد بتوان معماری ایران را به چهار دسته و بر حسب نام سلسله‌های تاریخی، نوع اقلیم، سبک‌های محلی و نوع کاربرد تقسیم کرد. برای توضیح جایگاه بناهای آرامگاهی مازندران در دسته‌بندی یاد شده ناگزیر به شرح چند نکته مهم و اساسی هستیم. اگر بپذیریم که فرهنگ هر سرزمین تبادل ایده‌ها را به‌گونه‌ای بسیار پیچیده ممکن می‌سازد و وجود مشخصه‌های

مشترک در آثار این سرزمین بدین معنا نیست که تمامی آثار بدون استثنا از اصول واحدی تبعیت می‌کنند، به این نتیجه می‌رسیم که مابانی مشترک بین آثار معماری ایران وسیع‌تر از هر نوع دسته‌بندی است. به بیانی روشن‌تر، این مابانی متعددند و هرگز در تمامی آثار و در یک‌جا تبلور نمی‌یابند.

از همین رو، به نظر می‌رسد ویژگی‌های معماری ایرانی به‌ویژه در نوع ساخت بناهای آرامگاهی در نظام پیچیده مشابهت‌های خانوادگی قابل درک است. این مقابر جدای از دسته‌بندی مشخص سبک‌شناختی، گونه‌شناسی، تاریخی و اقلیمی به سبب ایده‌های مشترکی که در آن‌ها برای سازماندهی فضایی وجود دارد به مانند یک خانواده دارای مشابهت‌های نزدیک به هم‌اند.

سده ۴ هـ ق

بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین آرامگاه برجی شکل که در پوشش بام آن از گنبد مخروطی شکل استفاده شده، بنای گنبد قابوس، مشهور به مدفن قابوس بن وشمگیر ملقب به شمس المعالی (حک: ۳۶۶-۳۷۱ و ۳۸۸-۴۰۳ ق) چهارمین امیر از سلسله آل زیار و حاکم نواحی طبرستان و جرجان است. قابوس در دوره دوم حکومت خود و بنابر آنچه در کتیبه آرامگاه آمده در ۳۹۷ ق، فرمان ساخت مقبره‌اش را صادر کرده است.

به نظر آتینگهاوزن و گرابار (ایتینگهاوزن و الگ گرابار، ۱۳۷۸: ۳۰۲). از آن‌جا که بنای گنبد قابوس به دست یکی از اعضای خانواده زرتشتی نومسلمان ساخته شده و تقویم قمری و یزدگردی در آن به کار رفته، در ساخت این اثر نیز پیوندهایی با سنت‌های پیش از اسلام قابل مشاهده است.

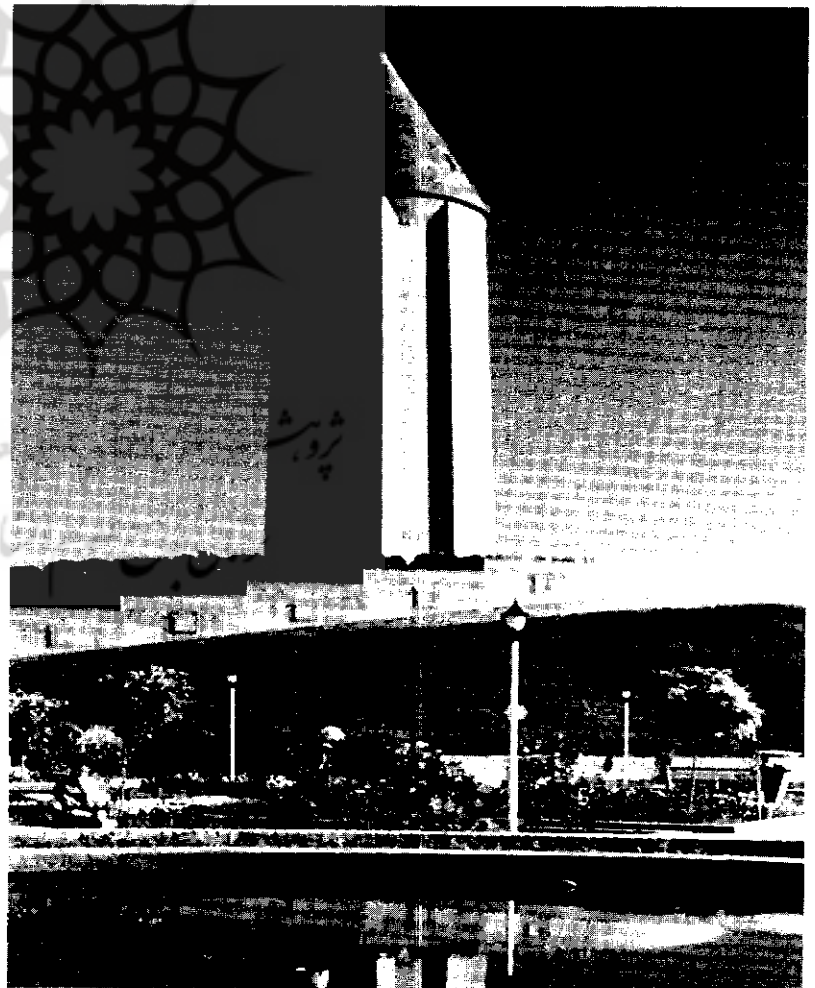
* استادیار گروه باستان‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس



آرامگاه گنبد قابوس:

این بنا در شمال شهر کنونی گنبد قرار دارد و بر فراز تپه‌ای بزرگ ساخته شده که ۱۵ متر از سطح زمین‌های اطراف مرتفع‌تر است. این بنا که از نظر مقیاس ساخت و ابعاد عظیم، قابل مقایسه با دیگر بناهای مازندران و حتی بناهای درون فلات ایران، آسیای مرکزی و سرزمین آناتولی در شکل برج گونه‌اش نیست، شامل سه قسمت شالوده، بدنه و بام مخروطی شکل به ارتفاع کلی ۵۵ متر است. (مشکوتی، ۱۳۴۵). شالوده آجری مدور آرامگاه از سطح زمین اطراف حدود ۱۵ متر ارتفاع دارد. بدنه یا برج استوان‌های آجری به دهانه ۱۷ متر در آغاز کار و ۱۴۵ متر در بالای کار است. برج همچنین از درون بر قاعده دایره‌ای به قطر ۹۵ متر و از بیرون با ده ترک یا پره مثلثی شکل (پشت بند) از کف زمین تا زیر قاعده مخروط رأس برج امتداد یافته است. (معماریان، ۱۳۶۷: ۲۱۳-۲۱۴). ارتفاع بدنه برج از کف زمین تا زیر قاعده مخروط بام ۳۷ متر و پهنای

هر یک از تره‌های ده‌گانه نمای بیرونی حدود ۱۶۰ سانتی‌متر است. زاویه ترک‌ها، قائمه است که علاوه بر ساده کردن کار آجرکاری بر مقاومت ترک نیز افزوده است. ترک‌ها علاوه بر اینکه به صورت شمع و پشتیبان‌های قوی عمل کرده، به نظر می‌رسد سبب کشیده‌تر شدن نمای بیرونی آن نیز گردیده است. (توسلی، ۱۳۵۱). (بنگرید به: نقشه شماره ۱) برج‌های آرامگاهی با یال‌های منشوری گروه مهمی از بناهای قرون ۵ تا ۷ ق را دربرمی‌گیرد و در برخی از بناها به صورت یک دسته ستون‌های گرد یا جفت ستون در نمای آن ساخته شده است. از جمله این بناها می‌توان به مقبره علاءالدین در ورامین از سده ۷ ق، آرامگاه بایزید بسطامی از سده ۸ ق، گنبد امامزاده عبدالله دماوند از سده ۶ ق، برج طغرل در ری از سده ۵ ق و برج رادکان شرقی در راه قوچان به مشهد از سده ۷ ق اشاره کرد.^۲ ارتفاع بام مخروطی بنا از کف قاعده تا رأس گنبد، ۱۸ متر است. (مشکوتی: ۳۹). در ساخت گنبد مخروطی یک پوش از نوعی آجر به نام ریشه‌دار یا بازودار استفاده شده که نمونه آن تنها در برج رادکان غربی به کار رفته است. در جهت شرقی گنبد، روزنه‌ای به بلندی ۲ متر و پهنای ۷۴ تا ۸۰ سانتی‌متر تعبیه گردیده که به نوشته آندره گدار، محلی برای حمل مصالح ساختمانی به هنگام ساخت گنبد بوده است. (Godard, 1979: 971) این روزنه نه تنها باز نگهداشته شده بلکه به دقت با آجرهای تراش خورده، ساخته شده است. (توسلی، ۱۳۵۱). عملکرد دیگر این روزنه علاوه بر ورود اشعه آفتاب به درون گنبد، برای تهویه منظم هوا و جریان یافتن مستمر آن نیز بوده است. ورودی بنا، در جهت جنوب شرقی است که دو رشته مقرنس کاری در طاق نیم‌گنبد بالای سردر آن، در عین سادگی در شمار نخستین مقرنس‌کاری‌هایی است که در بناهای بعد از اسلام دیده

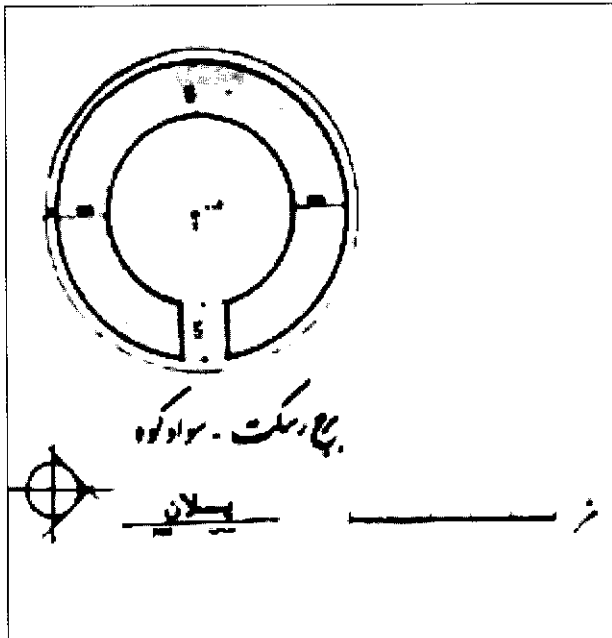


تصویر شماره ۱. بنای گنبد قابوس

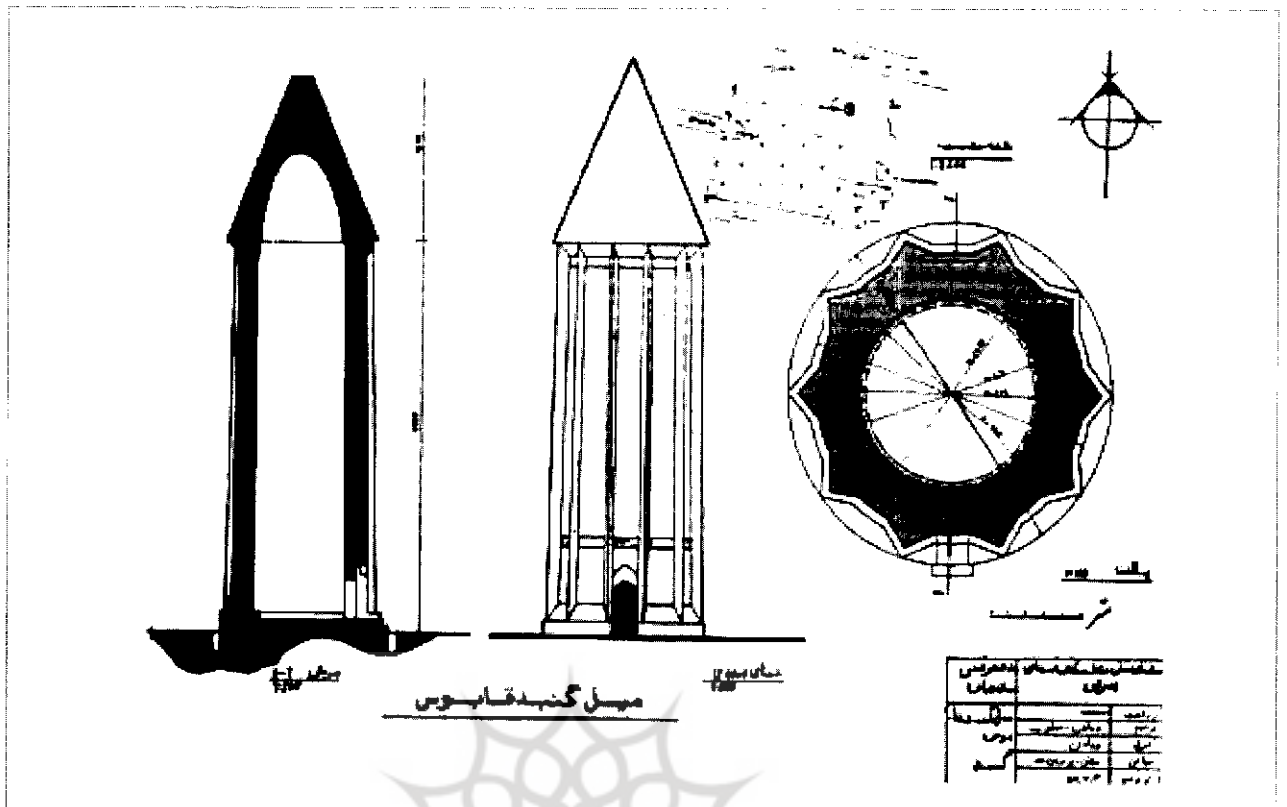
شده است. (مشکوتی ۱۳۴۵، توسلی ۱۳۵۱). بدنه برج گنبد قابوس سراسر از آجر قرمز رنگ ساخته شده که به علت تابش آفتاب سوزان دشت گرگان و باران‌های فراوان در گذشت ایام به رنگ زرد طلایی درآمده است. (بنگرید به: تصویر شماره ۱). این آجرها، بیش‌تر به شکل مربع و با ابعاد ۲۵×۲۵ و با ضخامت تقریبی ۶ سانتی‌متر است. ابعاد آجرهای قالبی به کار رفته در ساخت بام مخروطی برج نیز در مقاطع مختلف آن متفاوت است. اندازه آجرهای بالای طره و شروع قاعده مخروط ۵۰ تا ۴۸ سانتی‌متر، روی مخروط ۳۵×۲۵ و در رأس آن از ۱۹ تا ۱۰ سانتی‌متر متغیر است. (مشکوتی، ۱۳۴۵). ملات بنا ساروج است و ضخامت بندکشی در بدنه برج ۲ سانتی‌متر و در پایین آن تا ۲۸ سانتی‌متر و در بعضی نقاط به ۳ الی ۴ سانتی‌متر نیز می‌رسد (توسلی ۱۳۵۱). بر روی بدنه‌های ده‌گانه برج و به بلندی ۳ متر از طرف پایین و نیز به اندازه ۲۶۵ سانتی‌متر از زیر طره قاعده مخروط، دو رشته کتیبه آجری به خط کوفی ساده در میان قاب‌های آجری به درازای ۲ متر و پهنای ۸۰ سانتی‌متر کار شده است. این دو رشته کتیبه که از نظر متن و کلمات، مانند یک‌دیگرند و در هر بدنه تکرار شده‌اند، شامل نام بانی، تاریخ بنای ساختمان و هدف بانی از ساخت آن است. خطوط کتیبه، با آجر ساده قرمز که روی آن سائیده شده بدون هیچ‌گونه روکشی درون قاب‌های آجری که با آجر نیم گرد ساخته شده، جای گرفته است.^۲ با وجود اینکه تاکنون سندی مبنی بر ترسیمات و طرح‌های ساختمانی گنبد قابوس به نظر محققان نرسیده است، رعایت اصول و تناسب هندسی و ریزه کاری‌های بنایی و طرح‌ریزی دقیق این بنا حاکی از انجام مطالعات نظری و طراحی دقیق در آرامگاه قابوس بن وشمگیر است. تحقیقات انجام شده بر روی تناسب هندسی موجود در گنبد قابوس، حاکی از کاربرد دقیق هندسه در طراحی، نقشه، نما و ساخت مخروط بام گنبد است (توسلی، ۱۳۵۱).

برج رسکیت

سنت ساختمانی بناهای آرامگاهی در سده ۴ ق با بررسی معماری برج مقبره رسکیت واقع در دهستان فریم دودانگه ساری نزدیک روستای رسکیت، اهمیت به‌سزایی می‌یابد. به نوشته آندره گدار، مطالعه این بنا، پیرو گزارش دو زمین‌شناس سوئیسی به نام ارنی *erni* و باکسدورف *bakesdorov* در ۱۹۳۱ م و تهیه عکس‌ها و نقشه‌هایی از بنای لاجیم توسط آن دو انجام گرفته است (سرو قد مقدم ج ۳: ۲۷۴). این برج با طرح مدور و گنبد مخروطی از آجر ساخته شده و قطر قسمت داخلی آن ۴۵۷



تصویر شماره ۲. برج رسکیت



نقشه شماره ۱

سده ۵ هـ ق

به نظر محققان، معماران سده ۵ ق در ساخت دیگر بناهای آرامگاهی مازندران از گنبد قابوس تأثیر پذیرفته‌اند. این نظر با بررسی و تطبیق شکل ساختمان و طرز آجرچینی و به‌ویژه گنبد مخروطی در بنای برج رادکان غربی در نزدیکی شهر کردکوی تأیید شده است. مشکوتی بر این باور است که اگرچه معمار بنا عیناً در ساختمان برج رادکان از گنبد قابوس تقلید و متابعت نکرده است، لیکن تا اندازه‌ای معماری آرامگاه قابوس در طرز ساختمان و معماری رادکان مؤثر بوده است. (مشکوتی، ۱۳۴۵؛ توسلی، ۱۳۵۱).

برج رادکان غربی: این برج که در نزدیکی روستای رادکان و در ۲۴ کیلومتری شهرستان کردکوی و ۵۴ کیلومتری جنوب گرگان قرار دارد، بنابر کتیبه کوفی آن، آرامگاه اسپهبد محمدبن ونداربن بوند، از فرمانروایان محلی ناحیه مازندران است. بنابر کتیبه یاد شده، ساختمان این بنا به فرمان اسپهبد ابوجعفر در ربیع الثانی ۴۰۷ ق آغاز گردیده و در ۴۱۱ ق به دست احمدبن عمر اتمام یافته است.^۵ این بنا به صورت برجی مدور با گنبد مخروطی و مدخل ورودی در جنوب از آجر ساخته

متر و دور خارجی آن حدود ۸۵ متر است. (بنگرید به: نقشه و تصویر شماره ۲) (معماریان: ۲۱۳). بدنه مدور آجری آن که از بنیاد بنا آغاز می‌شود و به زیر کتیبه کوفی ختم می‌گردد، صاف و ساده ساخته شده است. (بنگرید به: تصویر شماره ۳) میان کتیبه کوفی و بر لبه برج، ردیف مضاعفی از مقرنس کاری (قطاربندی) آجری مزین به نقوش گچ‌بری، کار شده است. کتیبه به خط کوفی گچ‌بری شده و حدود آن از بین رفته است. حروف کتیبه به رنگ سفید بر زمینه‌ای آبی جای گرفته است. مدخل برج نیز در سمت شرق و در میان دو طاق نمای تودرتوی آجری، دارای تزیینات مقرنس کاری شده است. بر پیشانی این در نیز، چهار سطر کتیبه از گچ شامل سه سطر و نیم به خط کوفی ریحان است و نیمه سطر چهارم به خط پهلوی است. متنی که به خط کوفی نوشته شده با خط عمودی به دو بخش آیات قرآنی و مطالب تاریخی تقسیم شده است. خط عمودی دیگری، نوشته‌های کوفی را از متن پهلوی جدا ساخته است.^۴ خط پهلوی نیز تاکنون قرائت نشده است. محققان به اجماع، تاریخ این آرامگاه را سال ۴۰۰ ق دانسته‌اند (مشکوتی، ۱۳۴۹؛ ۱۳۹، گذار: ۲۸۵؛ ستوده: ۷۷۶).

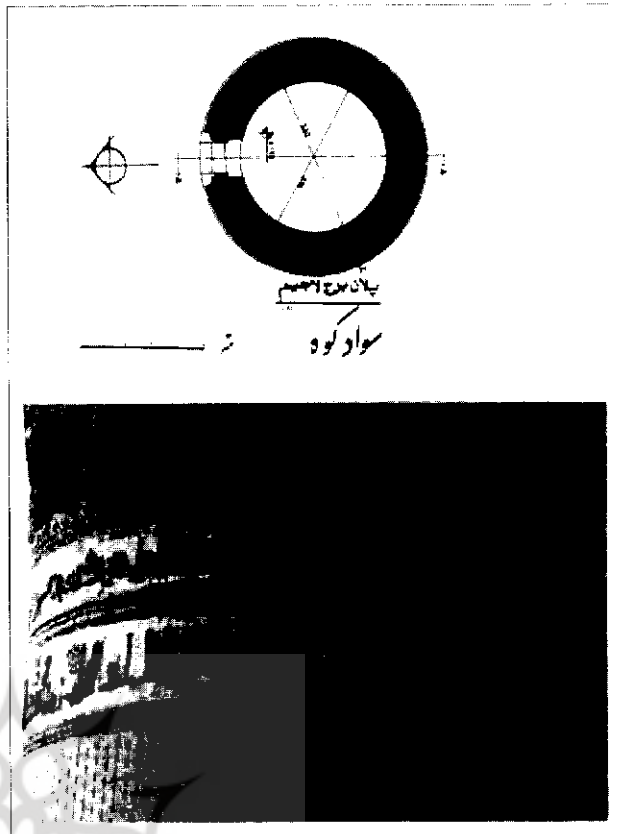


شده است. آجرهای گنبد رادکان از نظر استحکام و رنگ شبیه آجرهای گنبد قابوس است با این تفاوت که آجر ریشه دار برج رادکان به مقیاس کوچک‌تری تهیه شده است. (مشکوئی ۱۳۴۵). در قسمت شرقی بنا و بر ساقه مدور برج، روزنه‌ای ساخته شده است. بر پیشانی در ورودی، کتیبه یادبود برج نصب شده که وان برکم؛ در ۱۹۲۵ م گزارشی از آن به دست داده است. (بورکت، ۱۳۴۵). به نوشته شرودر، شکل حروف در کتیبه رادکان بسیار هنرمندانه است؛ چه، خمیدگی حروف آن مانع نوشتن‌های دوره آل بویه، یک مارپیچ کامل را نشان می‌دهد و این مارپیچ‌ها با حروف عمودی ادغام گردیده است که بلندی آن‌ها به اندازه خط کوفی خراسان است. (Schroeder 1979) به نوشته مشکوئی، در برج رادکان غربی، آثار تزیین آجری و گچ‌بری هر دو بکار رفته است. (مشکوئی ۱۳۴۵).

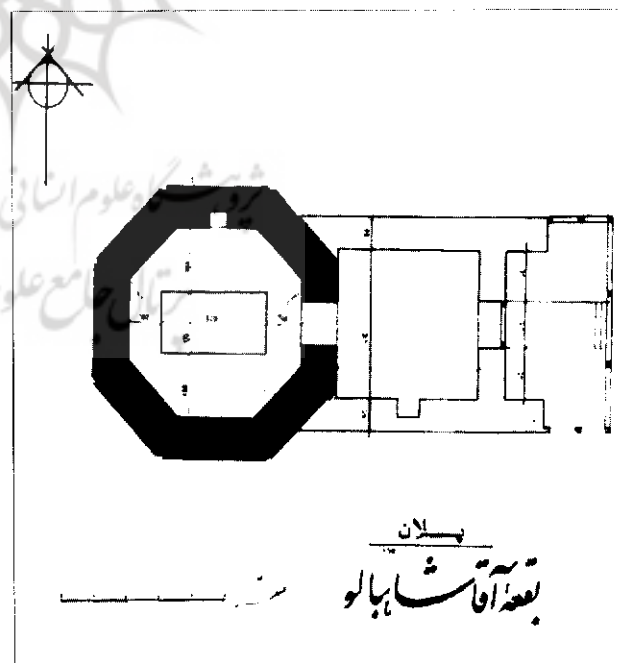
برج لاجیم: این برج که در نیمه نخست سده ۵ ق ساخته شده حاکی از تداوم هنر ساخت بناهای آرامگاهی در مازندران، ادامه سبکهای محلی و نبوغ فردی معماران آن است. این برج که در روستای لاجیم سوادکوه قرار دارد، بیشتر از این، از سوی اهالی محل به امامزاده عبدالله شهرت داشته است. (بورکت ۱۳۴۵).

بنابر کتیبه موجود بر بدنه بنا، مقبره متعلق به کیالجلیل ابوالفوارس شهریار بن عباس شهریار بوده و در سال ۴۱۳ ق ساخته شده است. (ستوده ۱۳۷۵: ۳۹۸، گدار: ۲۷۷). (بنگرید به: نقشه شماره ۳ و تصویر شماره ۴) این بنا به دوره‌ای تعلق دارد که حفاصل میان سقوط اولین سلسله و ظهور دومین سلسله باوندی است. طی این دوره که حدود ۷۰ سال به طول انجامید (۳۹۷-۴۶۶ ق)، قابوس بن وشمگیر و جانشینانش - از حکومت آل زیار - بر نواحی طبرستان حکم می‌راندند. مناطق حکومتی آل زیار در دشت بود و باوندیان نیز در نواحی کوهستان آن پناه گرفته بودند. (گدار: ۲۸۰)

این آرامگاه، همانطور که پیشتر اشاره شد از سوی دو زمین‌شناس سوئسی (ارنی و باکسدورف) در ۱۹۳۱ م شناسایی و سپس توسط آندره گدار معرفی گردید. این بنا با طرحی مدور (استوانه‌ای) از آجر و با گنبدی به شکل مخروط دو پوش، ساخته شده است. گنبد داخلی از نوع عرقچینی است. ورودی بنا با پهنای ۱۱۲ متر نیز در جهت شرقی قرار دارد. برج با آجرهای تراشیده ساخته شده و محیط آن در پایه ۲۶۸۰ متر و قطر فضای داخلی آن ۵۴۷ متر است (گدار: ۲۷۵). در بالای ساقه برج و بین دو قرنیز ظریف آن، دو رشته کتیبه آجری



تصویر شماره ۳ و تصویر شماره ۴.



نقشه شماره ۴

قرمز رنگ به خط پهلوی ساسانی و کوفی بر زمینه گچ سفید، نصب شده است.

در فواصل کتیبه‌ها و نیز در بالای آن تزیینات آجری به شکل گل چندپر بر روی آجر خستی کار شده است. (زمانی: ۷۴۶). متن کتیبه پهلوی تا به امروز رمزگشایی نشده است. (گذار: ۲۷۵، بورکت: ۱۳۴۵). (بنگرید به: تصویر شماره ۵) متن کتیبه کوفی نیز به غیر از قسمت غربی آن که به سبب سایش درختان مجاور آسیب دیده، بقیه کاملاً سالم باقی مانده است.^۶

سده ۶ تا ۷ هـ ق

از سنت ساخت بناهای آرامگاهی در سده‌های ۶ تا ۷ ق مازندران به سبب شمار کم آثار باقیمانده در منطقه و دخل و تصرف‌های بعدی در آن‌ها، آگاهی کاملی در دست نیست. بنای معروف به سیدسه‌تن یا میرحیدر آملی در شهرستان آمل نیز که بنا بر قرائت رایینو از کتیبه گچی سنگ مزار آن، بنایی از سده ۶ ق بوده است، (رایینو: ۲۶). به سبب مرمت، بازسازی‌های مکرر و تغییرات روی داده در آن، نمی‌توان به عنوان بنایی شاخص برای بررسی تطور معماری آرامگاهی در سده ۶ ق بهره جست. با وجود این، آرامگاه امامزاده اسحاق که کمتر در آن دخل و تصرفی صورت گرفته برای درک ریخت‌شناسی و سیر تحول و تطور معماری این دوره شایان بررسی است.

آرامگاه امامزاده اسحاق: آرامگاه اسحاق بن موسی بن جعفر (ع) معروف به مشهد نور در شهرستان گرگان واقع بوده و بنابر تاریخ صندوق چوبی آن (۵۲۵ ق) از بناهای سده ۶ ق است. (ستوده: ۱۹۷). به نظر می‌رسد در این بنا تغییراتی صورت گرفته است. (نیستانی، ۱۳۷۷: ۲۲۸). این بنا در مرکز شهرستان گرگان، در گذر سرچشمه از محله سبزه مشهد قرار دارد و منابع جغرافیایی و تاریخی نیز تنها به ذکر نام آن اکتفا کرده، اطلاعاتی درباره ویژگیهای معماری بنا به دست نداده‌اند. (قورخانچی: ۲۵؛ ستوده: ۱۹۶؛ ملگوف: ۶۴؛ میرزا ابراهیم گلزاری، ۱۳۵۵: ۴۹؛ رایینو، ۲۴۴). آراء محققان درباره این بنا، تا حدودی متناقض است، چه برخی به استناد کتیبه حک شده بر چارچوب در قدیمی ساختمان، آن را مربوط به سده ۹ ق (مشکوتی ۱۳۴۹: ۱۹۱). و برخی بدون ارائه دلیل کافی آن را متعلق به بناهای سده ۸ ق (Hutt 1970 & 1979) و شماری با توجه به تزیینات آجری بنا، مربوط به سده ۶ ق (Hillenbrand 1987:74) و اواخر سده ۶ و اوایل سده ۷ دانسته‌اند (Soucek 1979). این بنا با طرحی ۱۲ ضلعی و مقطع داخلی چهارگوش منظم به ابعاد ۷۴۰×۷۲۵

سانتی‌متر ساخته شده است. مصالح بنا از آجر است و لبه‌های هر ضلع بنا از ارتفاع ۵۰ سانتی‌متری کف موجود بر جداره دیوار شروع شده و تا زیر سقف ادامه می‌یابد. (Hillenbrand 1987:55, 59) بنا از نظر نقشه، شبیه آرامگاه خواجه اتابک کرمان (Schroederf: 1025-1024) مربوط به سده ۶ ق م و برج مهماندوست دامغان است. (گذار ۱۳۶۷). ساختمان دارای ۳ در ورودی است. ورودی کنونی بنا در جنوب شرقی و رو به محوطه حیاط و فضای باز امامزاده قرار دارد. در طرحی که دهل در ۱۲۶۴ ق م از بنا تهیه کرده، این ورودی وجود نداشته است. به نظر می‌رسد که این مدخل بعدها در نتیجه تغییرات در بنا ایجاد شده باشد. ورودی دیگر، در جهت شمال غربی قرار داشته و به نظر هیلن براند، مدخل اصلی آرامگاه بوده است (Hillenbrand 1987:63). سومین مدخل، در شمال شرقی بنا قرار دارد و در قدیمی ساختمان در این ورودی



تصویر شماره ۳. کتیبه کوفی برج رسگت



تصویر شماره ۵. کتیبه کوفی - پهلوی

(Hillenbrand 1987:64, Plates: 7b). بر لبه درونی طاق، طرحهای گل و گیاه همراه با کاشی فیروزه‌ای رنگ دیده می‌شود. در دو گوشه مثلث‌شکل پیشانی طاق نما با استفاده از کاشی فیروزه‌ای، ستاره‌های سه گوش و شش گوش پدید آورده‌اند. هیلن براند (Hillenbrand 1987:61) تزئینات کاشی‌های کار شده را مربوط به دوره سلجوقی و سوسک (Soucek: 144)، تاریخ آن را پس از اجرکاری عصر سلجوقی و حداقل یک سده پس از آن می‌داند. بر سردر ورودی شمال غربی نیز طاق نمایی شکل گرفته از دالبرهای پی‌درپی قرار دارد که با مجموعه‌ای از مقرنس تزئین شده است (Hillenbrand 1987:64-5). بر ضریح فلزی آرامگاه، تاریخ ۱۳۸۴ ق حک شده است (ستوده: ۱۹۸-۱۹۹). و مرقد نیز از گچ است و بر روی چهار بدنه آن آیاتی از قرآن به خط کوفی ممتاز باقی مانده

نصب شده است. در بخش داخلی بنا، ضریح فلزی مشبکی به طول ۳۲۶ و عرض ۲۳۰ و ارتفاع ۲۸۰ سانتی‌متر قرار دارد که محافظ صندوق چوبی مرقد است. (ستوده: ۱۹۶). از نوع پوشش اصلی بام این بنا، اطلاعاتی در دست نیست (Soucek: 142). احتمالاً بام اصلی را بالاتر از سطح کنونی آن ساخته بوده‌اند (Hillenbrand 1987:56-7). به نظر هیلن براند، قرنی‌زهای موجود در بنا امکان دارا بودن پوشش گنبدی چند وجهی یا مخروطی شکل را برای آن مطرح می‌سازد (Soucek: 144, plates: 4-9). پوشش کنونی بام، شیروانی است (بنگرید به: تصویر شماره ۶). تزئینات بنا در نمای بیرونی پر کار است و سردر و ورودی‌ها، علی‌رغم آسیب‌های رسیده به آن قابل توجه است. بخش پایینی بنا تا حدود ۲ متر بالاتر از کف کنونی حیاط فاقد تزئینات و تنها شامل آجرچینی ساده است. بدنه بیرونی بنا را نیز قاب‌بندی‌های آجری همراه با تزئیناتی از همین جنس در مرکز و بخش‌های بالایی بدنه، مزین ساخته است. درون قاب‌بندی‌های آجری، فرو رفتگی‌هایی به عمق یک آجر وجود دارد و بزرگی این قاب‌بندی‌ها سبب شده است که نقوش پیچیده آجرکاری که غالباً در هیچ یک از بدنه‌ها تکراری نیست به آسانی در زمینه ساده آجری، جای گیرد. هر بدنه به‌طور کامل دارای طرح تزئین آجری است که حاشیه آن نیز با زنجیره‌های تزئینی از جنس سفال بی‌لعاب و با اشکالی چون ستاره‌ها و لوزی‌ها، استادانه کار شده است (Hillenbrand 1987:56-7, Plates: 24-5)

پیچیدگی طرح‌های آجرکاری بنای امامزاده اسحاق چنان است که به نظر برخی نوعی خطاطی (Soucek: 142-3) و یا خط کوفی در شکل آجرهای مربع شکل در قاب‌بندی‌های هر یک از بدنه‌ها به چشم می‌خورد (Hillenbrand 1987:56-7, Plates: 4a-6b) اما به نظر می‌رسد که این طرح‌ها، طرح‌های آجری هندسی است که می‌توان مشابه آن را بر روی بخشی از مناره مسجد جامع استرآباد مشاهده کرد. (نیستانی: ۲۹۹ و Hillenbrand 1987:204-5) بخش اعظم تزئینات آجری سردر ورودی، اکنون از میان رفته و به هنگام بازدید هیلن براند از بنا، جای آن را پنجره مشبکی گرفته بوده است؛ حال آنکه اکنون دو دستگاه تهویه به جای آن تعبیه کرده‌اند. ورودی شمال شرقی، درون بدنه‌ای فاقد قاب بندی آجری، چون دیگر بدنه‌ها قرار دارد. درون طاق نمای بالای ورودی، ۴ ردیف مقرنس و در قسمت میانی آن، نقوشی با طرح ستاره به چشم می‌خورد

است. (مشکوتی: ۱۹۱). بر روی مرفد، صندوق چوبی مشبکی نهاده‌اند و آیه الکرسی (قرآن، ۲: ۲۵۵-۲۵۷). به خط کوفی قدیم بر حاشیه بالای صندوق و بسیار گود کنده شده است. (ستوده: ۱۹۶-۱۹۷). در ضلع جنوب غربی بنا، محرابی با گچ‌بری بسیار زیبا و پرکار وجود دارد که به صورت فرو رفته و برجسته و بدون استفاده از رنگ در تزیینات، کار شده است. (ستوده: ۱۹۶). تزیینات شامل چند قطعه مشبک و چند پیچک زنجیره‌ای است. به گفته هیلن براند، این نوع قالب‌بندی‌ها برگرفته از گچ بری‌های سامره است و نمونه تزیینات آن نیز در مسجد جامع نایین وجود دارد (Hillenbrand 1987:69, Herzfeld:73, Plates: 171 & 274, pope 1967).

در حاشیه گچ‌بری شده قوس جناغی محراب، کتیبه‌ای به خط کوفی مزین وجود دارد که با قراین موجود، بخشی از آن تخریب شده است. کتیبه از سمت راست محراب از آیه ۱۶ سوره آل عمران آغاز و ادامه آن یعنی بخشی از آیه ۱۷

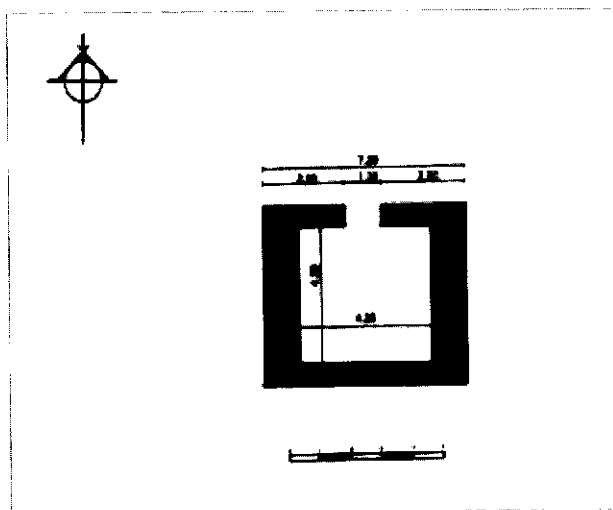
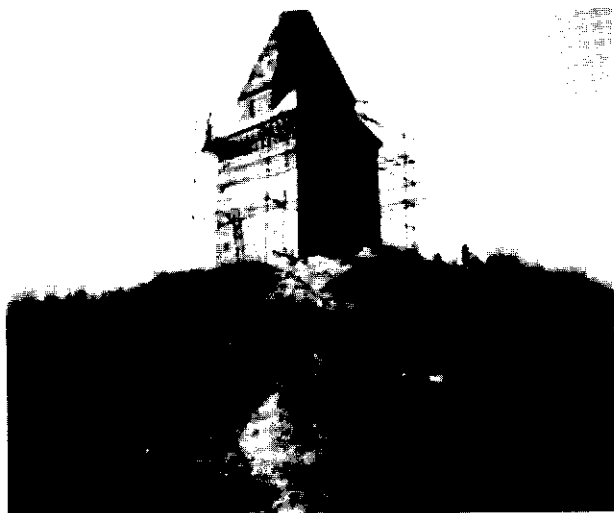
به صورت معکوس در زیر همان کتیبه کنده کاری شده است. الفبای کوفی کتیبه دارای تزیینات پیچیده‌ای است. (Hillenbrand 1987:71-3, Herzfeld:48,53,80, 81-)

سده ۸ تا ۹ هـ ق

از اواخر قرن ۸ ق، دو شکل ساختمانی از بناهای آرامگاهی تا به امروز باقی است. نخست آرامگاه میربزرگ، سرسلسله خاندان مرعشی در مازندران است که در ۷۸۱ ق در بارفروش (بابل امروزی) درگذشت و در آمل به خاک سپرده شد. این بنا که در ۸۱۴ ق و سپس در عصر صفوی تجدید بنا گردیده با گنبد بلند و مدور آن (ستوده، ج ۴: ۹۱-۱۰۱). موضوع اصلی این رساله نیست. بنای دیگر، آرامگاه برجی آقا شاه بالو و بقعه درویش فخرالدین گلما در ساری است که نوع سازه آن‌ها بعدها در قرن ۹ ق، شکل رایج و متداول بناهای آرامگاهی با تنوع در قاعده و گنبد قرار می‌گیرد.



تصویر شماره ۷. بنای آقا شاه بالو، سواد کوه



نقشه شماره ۵ و و تصویر شماره ۸. بقعه درویش فخرالدین گلما، ساری

به شرق است و در نمای بیرونی آن زیر گنبد هشت وجهی، دوازده مقرنس سینه کفتری آجری با نیم دایره‌های آجری گود، بالای هر یک کار شده است (بنگرید به نقشه شماره ۵ و تصویر شماره ۷). (ستوده ج ۴ بخش ۱: ۵۹۹-۶۰۰ همان، بخش دوم: ۱۱۵۲، تصاویر ۳۱۹-۳۲۰).

نتیجه گیری

با مطالعه‌ای که بر روی بناهای آرامگاهی سده ۴ تا اواخر سده ۸ ق مازندران از نظر نوع سازه، نقشه و گنبد انجام گرفته، تمامی اشکال موجود در سده‌های یاد شده در سده ۹ ق نیز با تفاوت‌هایی رایج و متداول بوده است. این طرح‌های متنوع عبارتند از: مقابر با طرح مدور و پوشش بام مخروطی شکل؛ طرح مربع و پوشش بام مخروطی و هرمی شکل و سرانجام طرح چند ضلعی (اغلب ۸ ضلعی) با گنبد مخروطی، هرمی و یا منشوری. با این همه، به نظر می‌رسد معماری آرامگاهی مازندران در سده ۹ ق، تحت تأثیر سنت‌های معماری به‌جا مانده از عهد ساسانی به‌ویژه نوع چهار طاقی آتشکده و معماری آرامگاهی دوره آل‌زیار و به هنگام تسلط آنان بر طبرستان بوده باشد. این موضوع، به روشنی دریافته‌ای است که معماری دوره آل‌زیار همچون معماری عصر سلجوقی از خلوص و سراسازی برخوردار است. حال آن‌که معماری عصر تیموری و صفوی لباسی زیبا از کاشی‌های رنگارنگ بر تن کرده است که در زیر آن اصل بنا و عیوب ساختمان سازی آن ناپدید شده است.

به نظر می‌رسد، در دوره آل‌زیار، کار تزئین بنا مورد علاقه

بقعه آقا شاه بالو: این آرامگاه از بناهای اواخر سده ۸ ق بوده و در ۲۵ کیلومتری جنوب شهرستان سوادکوه واقع است ساختمان هشت ضلعی ساده با گنبدی دو پوش آجری هشت ترک، گچکاری شده است (بنگرید به نقشه شماره ۶ و تصویر شماره ۷). داخل بنا به صورت هشت ضلعی و با گنبد درونی مدور است. در هر ضلع از بنا و در ارتفاع ۳۳۶ سانتی متری آن یک رده کاشیکاری وجود دارد. بالای این رده، یک قاب‌بندی مربع شکل و بالای آن، رده دیگری از کاشی تا محل جمع شدن هشت ضلعی و ابتدای گنبد است. ورودی بنا در ضلع شرقی است که مسجدی با طرح مستطیل شکل نیز در کنار آن ساخته شده است. درهای این مسجد، کنده کاری است و تاریخ آن ۹۰۷ ق است. صندوق چوبی بنا نیز دارای تزیینات گل و بوته، آیاتی از قرآن و به تاریخ ۹۶۳ ق است. (ستوده، ج ۴: ۴۵۶-۴۵۹؛ اثر: ۱۱-۲۱۰).

بقعه درویش فخرالدین گلما: از دیگر بناهای اواخر سده ۸ و اوایل سده ۹ ق، بقعه درویش فخرالدین گلما، واقع در بخش "میان دو رود بزرگ" شهرستان ساری است که بر فراز تپه‌ای باستانی قرار دارد. این بنا از آجر و گچ و با طرح چهار ضلعی به ابعاد ۷×۷ متر است. چهار کنج بنا را در رأس قاعده چهار گوش از بیرون به صورت گوشواره برآمده‌ای، جمع کرده است و گنبدی هرمی شکل با قاعده هشت ضلعی دوپوش که زیاد تیز نیست بر روی آن زده‌اند. چهار کنج درون بنا را نیز با چهار گوشواره پوشانده‌اند و گنبد مدور بر آن قرار گرفته است. ورودی بنا رو

سازنده و معمار بوده و نسبت به آنچه دیده نمی‌شده توجه و علاقمندی نشان نمی‌داده‌اند. بناهای آرامگاهی سده ۸ ق در مازندران نیز محدود به تزیینات آجری در محل شکل گرفتن گنبد (مقرنس کاری‌های قطاربندی سینه کفتری) و بر بالای سردر آن‌هاست. آرایه‌های کاشی در بناها کمتر به کار رفته و مانند بناهای سلجوقی و نیز ایلخانی از خلوص و سراسستی برخوردارند. به‌نظر می‌رسد در معماری اسلامی ایران پارادوکسی وجود دارد. این معماری بدون وقفه از اصول ساختمان به تزیینات و از تزیینات به ساختمان سیر کرده است. به عبارتی دیگر در ایران، همواره چرخه زیاده روی در تزیین یا برهنگی کامل آن تکرار شده است.

به‌عنوان نتیجه‌گیری نهایی می‌توان موارد مشترک بین معماری آرامگاهی مازندران از سده ۴ تا اوایل قرن ۹ ق را به اختصار چنین بر شمرد:

۱. همه بناها بر روی یک کرسی یا شالوده با مصالح متفاوت و ارتفاع مختلف ساخته شده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. با تاختن مؤیدالدوله و فخرالدوله دیلمی به قلمرو فرمانروایی قابوس، وی متواری شد و به سامانیان در خراسان پناهنده گردید، تا اینکه پس از ۱۸ سال با مساعدت شهریار بن شروین، بر قسمتی از طبرستان و گرگان استیلا یافت. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

W. Madelung, "The Minor Dynasties of Northern Iran", in: The Cambridge History of Iran, ed: R.N. Frye, London, 214-cambridge university Press, vol, 4, 1995, pp 213

۲. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ارتور ایهام پوپ، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، چاپ اول، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۲، صص ۸۶-۹۵؛ آندره گدار، طاقهای ایرانی، ترجمه کرامت‌الله افسر، چاپ اول، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۹، صص ۱۳۴ - ۱۳۷؛ نصرت‌الله مشکوتی، از سلاجقه تا صفویه، چاپ اول، تهران، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۳، صص ۴۷-۴۸.

۳. مشکوتی، صص ۳۵-۳۶، متن کتیبه چنین است: بسم‌الله الرحمن الرحیم هذا القصر العالی الامیر شمس المعالی الامیر ابن الامیر امر به بنانه فی حیاته قابوس ابن وشمگیر سنه سبع و تسعین و ثلثمائه قمریه و سنه خمس و سبعین و ثلثمائه شمسیه.

۴. سطر اول، دوم و سوم و نصف سطر چهارم شامل این آیات است: لا اله الا الله مخلصاً محمد رسول الله صادقاً، بسم‌الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفو احد (سوره اخلاص: ۱۲۲). بسم‌الله الرحمن کل نفس ذاعقه الموت (انبیاء: ۲۱: ۳۴). بخشی تاریخی کتیبه با عبارت: هذه القبة... شروع می‌شود که منوچهر ستوده کلمه "الهرمزد" را در ادامه قرائت

۲. برخی از بناها دارای روزنه‌ای در گنبد یا ساقه آن برای ورود روشنایی و انجام تهویه هوا هستند.

۳. در بناهای آرامگاهی سده ۴ - ۵ ق کتیبه کوفی به همراه نوشته‌های پهلوی بکار رفته، حال آن‌که در بناهای سده ۸-۹ ق به جای کتیبه کوفی، متن عربی همراه با گاه شماری یزدگردی در کنار تقویم قمری آمده است.

۴. یال‌های منشوری بدنه در بناهای سده ۴ ق به اضلاع چند ضلعی و اغلب ۸ ضلعی در سده ۸ - ۹ ق تبدیل شده و حتی گنبدها نیز به‌صورت هرمی و منشوری درآمدند.

۵. در بناهای سده ۴-۵ ق مازندران، تزیینات آجری به همراه تزیینات گچی در نمای بنا بکار رفته است، حال آن‌که در بناهای سده ۸-۹ ق آجرکاری ادامه پیدا کرده و از تزیینات گچی به‌ویژه در نمای بنا کمتر استفاده شده است.

۶. دره‌های ورودی بناها از سده ۴ تا ۹ ق اغلب رو به شرق یا جنوب شرقی است.

کرده که با قرائت گذار تفاوت دارد. در همین قسمت نیز به سبب آسیب دیدگی کتیبه، تمامی قرائت کنندگان کلمه «ماهه» را قرائت و عدد اربع را به جای عدد افتاده پیشنهاد کرده‌اند که بدین ترتیب تاریخ بنا سال چهارصد می‌شود. متن کتیبه زیر مقرنس آجری نیز عیناً مانند کتیبه سردر بنا شامل سه سطر و نیم آیات قرآنی و متن تاریخی یاد شده به خط کوفی ریحان و نیمی از سطر چهارم به پهلوی است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: منوچهر ستوده، از آستارا تا آستارا، جلد ۵، بخش ۲، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگه و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، صص ۷۷۴-۷۷۷.

۵. در منابع از اسپهبد گمنامی یاد می‌شود که مجدالدوله و مادرش را در شورش که در سال ۴۰۷ ق در ری بر ضد آن‌ها در گرفته بود، یاری داد. یکی از اسپهبدان در سال ۴۱۸ ق در جنگ با علاءالدوله کاکویی به اسارت درآمد و در سال ۴۱۹ ق در زندان علاءالدوله درگذشت. به احتمال قریب به یقین، اسپهبد نخستین و نیز دومی هم شاید همان اسپهبد ابو جعفر محمد بن وندربن باوندی بوده باشد که در سال ۴۰۷ ق فرمان داد بارگاهی که به میل رادکان معروف است در بخش علیای رود نکا و در نزدیکی شهرستان کردکوی بسازند و ظاهراً تا اتمام آن بنا در سال ۴۱۱ ق نیز زنده بوده است. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

W. Madelung, *Opcit*, P.219

و نیز: مشکوتی، همان، صص ۳۹

۶. متن کتیبه چنین است: بسم‌الله الرحمن الرحیم هذا قبر القیم الکیا الجلیل ابی الفوارس شهریار بن العباس بن شهریار مولی امیرالمؤمنین رحمۃ الله امر بنانه... فی سنه ثلاث عشرة و اربعمائه عمل الحسن بن علی. (آندره گدار، آثار ایران، صص ۲۷۷).



کتابنامه

- گدار، آندره
۱۳۶۷ آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، جلد ۳، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی،
- طلاق‌های ایرانی ترجمه کرامت‌الله افسر، چاپ اول، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۹.
مجله اثر سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، تهران، شماره ۱۰-۱۱، مشکوتی، نصرت‌الله
- ۱۳۴۳ از سلاجقه تا صفویه، چاپ اول، تهران، کتابخانه ابن سینا.
"جرجان - گنبد قابوس"، هنر و مردم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، شماره ۵۱.
- ۱۳۴۹ فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، چاپ اول، انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، تهران.
معماریان، غلامحسین
- ۱۳۶۷ نیارش سازه‌های طاقی در معماری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
- ملگونف، گرگوری
سفرنامه، ترجمه مسعود گلزاری، چاپ اول، تهران، انتشارات دادجو.
میرزا ابراهیم
- ۱۳۵۵ سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان... به کوشش مسعود گلزاری، چاپ اول، تهران، بنیاد فرهنگ ایران،
- نیستانی، جواد
۱۳۷۷ «اسحاق، امامزاده»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی، جلد ۸، چاپ اول، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- الف) فارسی
ایتنگهاوزن، ریچارد و الگ گرابر
۱۳۴۸ هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- بورکت، ام ای
۱۳۴۵ "مقابر برجی و کتیبه‌های آن‌ها در ایران"، ترجمه مهوش ابوالضیا، راهنمای کتاب، تهران، شماره دوم، سال نهم.
- پوپ، آرتور ایهام
۱۳۸۲ معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، چاپ اول، تهران، نشر اختران.
- توسلی، محمود
۱۳۴۵ "گنبد قابوس"، هنر و معماری، تهران، شماره ۱۳۵۱ مشکوتی، نصرت‌الله "جرجان - گنبد قابوس"، هنر و مردم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، شماره ۵۱.
- رابینو، ه. ل
۱۳۶۵ مازندران و استرآباد، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ سوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- زمانی، عباس
۱۳۶۳ مقرنس تزئینی در آثار تاریخی اسلامی ایران معماری ایران، به کوشش آسیه جوادی، جلد ۱، چاپ اول تهران، انتشارات مجدد.
- ستوده، منوچهر
۱۳۷۵ از آستارا تا استرآباد، جلد ۵، بخش ۲، چاپ دوم، تهران، انتشارات آگه و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فورخانی، محمدعلی
۱۳۶۰ نخبه سیفیه، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ ایران.

ب) غیر فارسی

- Godard, Andre.
1979 "Gurgan and the Gunbad - i - Qabus", in: A Survey of Persian art, ed: Arthur upham pope, Tehran soroush Press Vol 3.
- Herzfeld, Ernest
1923 Der Wand Schmuck der bauten Von Samarra und Seine ornamentik, Berlin.
- Hillenbrand , Robert.
1987 "Saljuq Monuments in Iran, V, the Imam zada Nur Gurgan", Iran, vol 27, London.
- Hutt, A.
1970 "Islamic Monuments in Kirman and Khurasan Provinces", Iran, London, Vo Id and L. Harrow.
- 1979 «IslamicArchitectur», Iran, London, vol I. Madelung, W
- 1995 "The Minor Dynasties of Northern Iran", The cambridge History of Iran, ed: R.N.frye, London, cambridge university Press, vol 4.
- Pope, Arthur upham.
1967 A Survey of Persian Art, vol 3, London.
- Schroeder, Eric.
1979 "The Seljua Period", in: A Survey of Persian Art. ed: Arthur upham pope, Tehran Soroush Press, Vol 3.
- Soucek, P.
1979 "Iranian Architecture: The Evolution of A Tradition," Highlights of Persian Art, Colorado.

